



## بررسی عوامل موثر بر رشد کارآفرینی در تقویت جوامع روستایی در راستای توسعه پایدار

خدیدجه بوزر جمهوری<sup>۱</sup>، احمد رومیانی<sup>۲</sup>، آسیه اسماعیلی<sup>۳</sup>

aromyani@gmail.com

### چکیده

در چند دهه اخیر، کارآفرینی بعنوان یک استراتژی و راهبرد در توسعه و شکوفایی و رشد جوامع انسانی به جایگزین بی بدیلی تبدیل گشته است که از طریق آن همه ی عوامل و منابع و امکانات یک جامعه بصورت خودجوش و از راه قرار گرفتن در یک روند تکاملی در جهت نیل به آرمانهای بلند اجتماعی بسیج گردیده تا منشا بسیاری از آثار و پیامدهای مثبت اقتصادی- اجتماعی گردند. در کشور ما نیز توسعه و ترویج کارآفرینی به ویژه در مناطق روستایی یکی از نیازهای جدی جامعه بوده و شناسایی عوامل مؤثر بر رشد کارآفرینی از ضروریات آن می باشد. به اعتقاد کارشناسان و متخصصان، در شرایط فعلی کشور، بهترین روش ایجاد اشتغال و حل مسئله بیکاری، توسعه فرهنگ کار و کارآفرینی در جامعه است. بنابراین بسیاری از محققان با پررنگ نمودن نقش ساختارهای اقتصاد، تاکید ویژه بر کارآفرینی به عنوان یکی از عوامل اصلی تاثیر گذار بر توانمندی سازی گروه ها و قشرهای مختلف جامعه از جمله جوانان دارند. لذا با در نظر گرفتن اهمیت نقش کارآفرینی روستایی و لزوم توانمندسازی آنان، پژوهش حاضر تلاش دارد به بررسی عوامل موثر بر رشد کارآفرینی، به عنوان یکی از عوامل کلیدی موثر در راستای تحقق این امر مهم بپردازد. روش مورد استفاده به منظور گردآوری مطالب، استفاده از پایگاه های اطلاعاتی اینترنتی، مطالعات کتابخانه ای و اسنادی می باشد. نتایج مقایسه این تحقیق با دیگر تحقیقات صورت گرفته نشان داد که کارآفرینی از یک سو، سبب افزایش تولیدات کشاورزی، نوسازی جامعه روستایی، افزایش اشتغالزایی در بخش کشاورزی و تامین امکانات اولیه از جمله غذا، مسکن و غیره... شده است و از سوی دیگر، زمینه را برای سرمایه گذاری موسسات مالی در جهت ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی روستائیان، ارائه خدمات مشاوره و نیز برگزاری دوره های آموزشی برای راه اندازی کسب و کارهای غیر کشاورزی شده است.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، اشتغال زایی، توسعه پایدار روستایی.

<sup>۱</sup>. دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد

<sup>۲</sup>. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد

<sup>۳</sup>. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد



## ۱- مقدمه

امروزه مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه، بویژه در کشور ما از چالش‌های متعددی از قبیل فقر، بیکاری پنهان، تخریب محیط زیست، تداوم نابرابری در توزیع فرصت‌ها و منابع میان نواحی شهری و روستایی رنج می‌برند، که بیانگر عدم موفقیت راهبردهای گذشته توسعه روستایی برای ارائه راه حل موفقیت آمیزی برای برطرف ساختن آنها می‌باشد (رضوانی و نجار زاده، ۱۳۸۷ : ۱۶۲-۱۸۲). از طرفی دیگر، این راهبردها در توزیع منافع حاصل از رشد و توسعه نیز موفق نبوده و منجر به بروز و تشدید چالش‌های مذکور شده است (Azimi, 2013: 1986 به نقل از عینالی، ۱۳۹۳: ۶۲). از این رو برای غلبه بر مسائل اقتصادی- اجتماعی پیش روی جوامع روستایی در چند دهه اخیر رویکرد کارآفرینی به عنوان یکی از راهبردهای مهم توسعه روستایی مورد توجه قرار گرفته است (Chowdhury, 2007: 240). به طوری که اقتصاددانان، کارآفرینان را موتور رشد و توسعه اقتصادی جامعه می‌دانند (Schumpeter, 1934; Gurol & Astan, 2006: 25-38) و دانشمندان مدیریت آن‌ها را از مهمترین عوامل تحول و نوآوری‌های سازمانی در عصر حاضر به شمار می‌آورند. لذا هر محیطی که افرادش برخوردار از تفکر و هنر کارآفرینی باشند، اقتصادی پویا و متنوع خواهند داشت (Maia, 2002). با توجه به اهمیت کارآفرینی، بررسی وضعیت اقتصادی گویای این مطلب است که توسعه و رشد کارآفرینی در امور روستایی، تنها راه بهبود مشکلات اقتصادی کشورهای در حال توسعه و پیشگیری از تسریع شدن آن در آینده می‌باشد. بدین منظور برای رسیدن به توسعه ملی در کارآفرینی، زیر-ساختی مناسب ضروری است (ورلیندن و دایوت، ۲۰۰۵، به نقل از سپه پناه، ۱۳۹۱: ۶). بنابراین حفظ جمعیت روستایی و رونق بخشیدن به رشد آن به منظور رسیدن به ابعاد مختلف توسعه اقتصادی نیازمند کارآفرینی کوچک و متوسط می‌باشد (Islam, 2009: 1). به طوری که در نظریه‌های اقتصادی، به فعالیت‌های خودجوش اقتصادی در قالب کارآفرینی در مناطق روستایی توجه ویژه می‌شود. در همین زمینه، ورتمن معتقد است که توسعه اقتصادی روستایی و کارآفرینی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند (Heriot and Campbell, 2002: 2). لذا کارآفرینی می‌تواند از یک طرف به راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در راستای دستیابی به توسعه پایدار باشد، که زمینه را برای فعالیت‌ها و تنوع بخشی به درآمد در تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی، افزایش زیرساخت‌های اجتماعی برای انجام توام تحقیق و توسعه، افزایش کیفیت نیروی انسانی، کیفیت مدیریتی، توسعه آموزش و توسعه تکنولوژی در جوامع روستایی می‌شود (سهرابی وفا، ۱۳۹۲: ۳۴). و از طرف دیگر، پتانسیلی برای کمک به تنوع بخشی به درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی روستاییان است و فرصت‌های مناسبی را برای کاهش ریسک معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند و می‌تواند یکی از زمینه‌های مناسب برای ایجاد اشتغال در بخش‌های کشاورزی و غیر کشاورزی باشد (Heidari Sareban, 2012). بنابراین هدف از این پژوهش، بررسی عوامل موثر بر رشد کارآفرینی بر تقویت جوامع روستایی در راستای توسعه پایدار می‌باشد و به دنبال پاسخگویی به این سوال می‌باشد: آیا عوامل موثر کارآفرینی توانسته است رشد و تقویت جامعه روستاییان را به دنبال داشته باشد؟



## ۲- روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. لذا تحقیقات توصیفی-تحلیلی علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز و پاسخگویی به هدف مطرح شده در این تحقیق به جمع‌آوری داده‌های ثانویه (اسنادی) از طریق مبانی نظری موضوع و سوابق تحقیقات پیشین پرداخته شده است که با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای، جستجوی اینترنتی در سایت‌ها و سایر منابع علمی و پژوهشی در رابطه با موضوع تحقیق گردآوری شده است.

## ۳- پیشینه تحقیق

کارآفرینی موضوع کمابیش جدیدی است که به طور جدی در سال‌های گذشته مطرح شده و نزدیک به یک دهه است که در کشور ما نیز، مطالعه در این زمینه آغاز شده است. سیر تکامل فعالان اقتصادی یا کارآفرینان نشان می‌دهد که کارآفرینی در نظریه‌های اقتصادی تبلور یافته و به عنوان عامل اصلی ایجاد ثروت یا موجد ارزش اقتصادی شناخته و از قرن پانزدهم تاکنون در کانون بحث مکاتب مختلف اقتصادی قرار داشته است. اما سابقه مفهوم کارآفرینی در دانش امروزی به دویست سال پیش بر می‌گردد. اولین کسی که این مسئله را مطرح کرد فردی به نام کانتیلون است. این واژه دستخوش تعاریف جدید شده و ترجمه آن در ایران به معنای همان کسی است که زیربار تعهد می‌رود. بنابراین تا دهه ۱۹۸۰ سه موج وسیع، موضوع کارآفرینی را به جلو رانده است:

**موج اول:** انفجار عمومی مطالعه و تحقیق در قالب انتشار کتابهای زندگی کارآفرینان و تاریخچه شرکتهای آنها، چگونگی ایجاد کسب و کار شخصی و شیوه‌های سریع پولدار شدن می‌باشد. این موج از اواسط دهه ۱۹۵۰ شروع می‌شود.

**موج دوم:** این موج که شروع آن از دهه ۱۹۶۰ بوده شامل ارائه رشته‌های آموزش کارآفرینی در حوزه‌های مهندسی و بازرگانی است که در حال حاضر این حوزه‌ها به سایر رشته‌ها نیز تسری یافته است.

**موج سوم:** این موج شامل افزایش علاقمندی دولتها به تحقیقات در زمینه کارآفرینی و بنگاههای کوچک، تشویق رشد شرکت‌های کوچک و انجام تحقیقات در خصوص نوآوری‌های صنعتی می‌شود که از اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شده است (Carswell, G & Rolland, L: 2004). در همین رابطه کلین (۲۰۰۷)، در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که شاخص-

های فضایی کارآفرینی از جمله وجود آزادی و انعطاف‌کاری، حمایت‌های مالی و اقتصادی و حاکم بودن فضای فرهنگی و اجتماعی مناسب دارای ارتباط معنی‌داری هستند و تاثیراتی مثبتی بر کارآفرینی افراد دارد (Kline, 2007). کیپانیدزه (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای خود ضمن اشاره به کاهش اشتغال در بخش کشاورزی، افزایش مهاجرت‌های روستایی را یادآوری می‌کند. وی نشان می‌دهد که توسعه‌ی روستایی به طور روزافزونی با کارآفرینی در ارتباط است و کارآفرینی را به عنوان نیروی برای رشد اقتصادی روستا معرفی می‌کند (Lordkipanidze, 2005). استاهپولو (۲۰۰۴)، در مقاله‌ی "کارآفرینی روستایی در اروپا"، یک چارچوب تحقیقی و دستور کار که مستخرج از یک کار تحقیقاتی در همین رابطه است، فرصت‌ها و محدودیت‌های کارآفرینی روستایی را شناسایی کرده است. شیوه‌های برخورد و بهره‌برداری از این فرصت‌ها معرفی و بر امکان تبدیل محدودیت‌های موجود در فضای روستایی به عنوان فرصت، تأکید شده است (Stathopoulou, 2004: 420). فاضل بیگی و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که سیاستهای تقویت ظرفیت فرهنگ تعاون و نظام تعاونی یک



جامعه (از جمله مهارتها و انگیزه‌های استفاده از فرصتها)، تأثیر بسزایی در ارتقاء سطح فعالیت‌های کارآفرینی خواهد داشت. در این باره دولتها باید پشتیبانی‌های لازم را از جنبه‌های مختلف اقتصادی که هادی و حامی افزایش سطوح فعالیت‌های تعاون و کارآفرینی هستند به عمل آورند. در نهایت سیاستها باید در مسیر توسعه سرمایه گذاری در صنایع روستایی و محرک انگیزه های افراد برای سرمایه گذاری بهینه در مراحل ابتدایی سرمایه گذاری و کارآفرینی باشد.

رضوانی و نجارزاده (۱۳۸۷)، در پژوهش خود به بررسی مربوط به تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی که در دهستان برآن جنوبی انجام پذیرفته است، به این نتیجه رسیده اند که میزان آشنایی افراد روستایی مشارکت داده شده در این مطالعه با زمینه‌ها و مهارت‌های کارآفرینی به میزان بسیار کم اعلام شده است.

فراهانی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ی تحت عنوان "نقش کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار روستایی" با روش توصیفی - تحلیلی به این نتیجه رسیدند که از راهکارهای مهم توسعه و توسعه پایدار روستایی در محدوده مورد مطالعه ایجاد اشتغال و مهمترین ابزار آن کارآفرینی باعث بیکاری، افزایش بهره‌وری افراد و منابع و در نتیجه سبب افزایش درآمد مردم و جامعه و در نهایت منجر به پایداری و توسعه پایدار روستایی می شود.

عینالی (۱۳۹۳)، در تحقیق خود با عنوان "نقش یکپارچه‌سازی اراضی در بهبود زمینه‌های کارآفرینی کشاورزی در شهرستان خداآبند، مطالعه موردی: روستاهای حوزه خدمات کشاورزی نورآباد"، با استفاده روش‌های توصیفی - تحلیلی و میدانی به این نتیجه رسید که پروژه‌های انجام گرفته در محدوده مورد مطالعه در ایجاد زمینه برای شکل گیری و توسعه کارآفرینی کوچک مقیاس کشاورزی موفق بوده‌اند و مقایسه دیدگاه دو گروه با اراضی یکپارچه و غیر یکپارچه مبین تفاوت معنادار در شاخص های کارآفرینی می‌باشد که این امر بیانگر تاثیر مثبت اقدامات یکپارچه‌سازی اراضی پراکنده بهره برداران در یک یا چند نقطه در بهبود زمینه های کارآفرینی کشاورزی است.

#### ۴ - مبانی نظری

امروزه در اکثر کشورهای مختلف توجه خاصی به کارآفرینی و کارآفرینان می‌شود. تقویت کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه آن از ابزار پیشرفت اقتصادی کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید. زیرا یک فعالیت کارآفرینی با اثربخشی بالا منجر به توسعه اقتصادی (از جمله ایجاد اشتغال، نوآوری در فعالیتها، رقابت پذیری و ...) می‌شود (Verheul, 2001: 4; Otto, 2009: 25-38). و از سویی اگر توسعه روستایی را در یک نگرش همه جانبه و سینوپتیکی بر اساس نظریه توسعه پایدار، فرایند افزایش انتخاب مردم، گسترش دموکراتیک، تواناسازی مردم به منظور تصمیم‌گیری برای شکل دهی به فضای زیست، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه، تواناسازی زنان، فقرا و دهقانان مستقل و آزاد برای سازمان دهی فضای زیست خویش و همچنین تواناسازی برای انجام کار گروهی بدانیم، در آن صورت می‌توان گفت که توانمندسازی و ظرفیت‌سازی به عنوان کانون پارادیم جدید مورد توجه بوده است (افتخاری ۱۳۸۴ به نقل از سجاسی، ۱۳۸۷). لذا با توجه به بحث پارادیم جدید (کارآفرینی) می‌توان اظهار کرد که در اکثر کشورهای مختلف توجه خاصی به افراد موفق و کارآفرینان می‌شود و تقویت نوآوری‌ها و موفقیت‌ها و ایجاد بستر مناسب برای این امر از ابزار



های پیشرفت اقتصادی کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید. در همین رابطه، دیدگاه‌ها و تعاریف مختلفی از کارآفرینی ارائه شده است که می‌تواند در توسعه روستایی متمر ثمر واقع شود که در جدول شماره ۱ اشاره شده است.

جدول شماره ۱: دیدگاه‌ها و تعاریف مختلف از کارآفرینی

تعاریف	دیدگاه‌ها
بازرگانی را که در کار تجارت طلا و نقره دست داشتند، کارآفرین می‌دانستند	مکتب سوداگری یا مرکانتلیست‌ها
منشا ایجاد ثروت را زمین و فعالان کشاورزی را کارآفرین می‌گفتند	فیزیوکرات‌ها یا طبیعت‌گرایان
عوامل اصلی ثروت آفرینی را نیروی کار، سرمایه و مواد اولیه معرفی کرده‌اند	کلاسیک‌ها
تعاریف	دیدگاه‌های (صاحب نظران)
کارآفرینی، را نیروی محرکه اقتصاد می‌داند که منجر به کشف فرایند چیزی نو و قبول مخاطرات و منافع آن و آگاهی از فرصت‌های سودآور و کشف نشده می‌شود	شومپتر (۱۹۳۴)
کارآفرینی حاصل برخورد ویژگی‌های فردی کارآفرینان با محیطی است که در آن نشو و نما یافته‌اند	مایا (۲۰۰۲)
کسی که ابزارهای مورد نیاز برای تولید را با ارزشی معین خریداری و آنها را با هم ترکیب و کالای جدیدی تولید کند کارآفرین می‌نامد	کانتیلون (۱۳۷۳۵)

( Mohapatra & et al., 2007: 163; Lordkipanidze, 2005: 25; Hisrich & et al., 2005: 8; Archibong, 2004: 29 )

(گاسون، ۱۹۸۲، به نقل از ایمانی، ۱۳۸۸: ۲۸)

بعضی از دانشمندان نظیر شومپتر، کارآفرین را مهمترین عامل توسعه اقتصادی دانسته‌اند. وی معتقد است کارآفرین یک مدیر صاحب فکر و ابتکار است که همراه با خلاقیت، ریسک‌پذیری، هوش، اندیشه و وسعت دید، فرصت‌های طلایی می‌آفریند. او قادر است که با نوآوریها تحول ایجاد کند و یک شرکت زیان‌ده را به سوددهی برساند (Peak & Marshall, 2006). بنابراین فرآیند کارآفرینی از اجزا و عناصری تشکیل شده است که در جدول شماره ۲ به آن اشاره می‌شود.

جدول شماره ۲: عناصر تشکیل دهنده کارآفرینی

کارآفرین	فردی که تصمیم آگاهانه می‌گیرد تا کار جدیدی را شروع کند
فرصت	فرصت‌های موجود در بازار را شناسایی کرده و به آنالیز آن می‌پردازد
ساختار	کارآفرین تصمیم می‌گیرد به طور فردی یا تضامنی یا شرکت سهامی کار را آغاز کند
منابع	شامل شناسایی منابع حمایت کننده برای سرمایه‌گذاری (مانند دولت) و جلب نظر آنها می‌باشد
استراتژی	هدفهای کلی کار، استراتژیها و برنامه‌های اجرایی معین و اجرا می‌شوند

Peak & Marshll, 2006

به طور کلی، کارآفرینی را می‌توان فرآیندی پویا نامید که به بهره‌گیری از نیرو و انگیزه افراد در جهت خلق و اجرای ایده‌های نو و همچنین راه‌حلهای کاربردی نیاز دارد (Kuratko & Hodgetts, 2007: 4). در چنین فضاهاى ایجاد شده، کارآفرینی فردی می‌تواند به عنوان عامل رشد و توسعه و یکی از مهمترین شاخصهای تاثیرگذار در دستیابی به آینده مطلوب روستایی مطرح باشد (Clark, 2004). به طوری که توسعه‌ی درون‌زا را برای جوامع روستایی فراهم می‌کند تا با آینده‌شان بیشتر درگیر



شوند و به رها کردن توان بالقوه درونی جوامع محلی بپردازد (Stockdale, 2006: 356). بنابراین در جوامع روستایی، افراد موفق در مقام کارآفرین، می‌توانند عوامل مختلف تولید را گرد آورند و با تلاش و کوشش‌های خلاقانه خود، فعالیت‌ها را به موفقیت سوق دهند. بدیهی است که انگیزه فعالیت‌های کارآفرینی نفع شخصی است، اما ایجاد فضای مناسب برای کارآفرینی در سطح محلی (روستا)، منافع منطقه‌ای و ملی را نیز به دنبال دارد. به همین جهت امروزه صاحب نظران توسعه روستایی معتقدند که برای تحقق توانمندسازی جامعه روستایی، تصمیم‌گیری و مدیریت روستایی بایستی در داخل خود جامعه محلی صورت گیرد و عوامل بیرونی نقش تسهیل‌گری را ایفا کنند (Najarzadeh et al, 2009:161). در مناطق مختلف دنیا به ویژه در کشورهای در حال توسعه، اصلی‌ترین کسب و کارها در اختیار روستاییان قرار دارد و آنها اصلی‌ترین ایفا کنندگان نقش در اقتصاد کشورهای خود به شماره می‌روند (Markley, 2005; Poza, 2007:14). توسعه روستایی لزوماً انتقال بخشی از ساختار اقتصاد روستایی به کسب و کارهایی غیر از کشاورزی است. لذا اجتماعات روستایی دارای مزیت‌های زیادی در حوزه کارآفرینی بوده و در مقایسه با شهر دارای مزیت‌های طبیعی، تاریخی، فرهنگی و تفریحی به منظور ارتقاء کیفیت زندگی و دسترسی کارآفرینان به فرصت‌های محلی است (Dabson, 2001: 42). بنابراین تعاریف مختلفی از کارآفرینی روستایی در بین جامعه شناسان و برنامه ریزان وجود دارد که در جدول شماره ۳ به طور خلاصه به تعدادی از آنها اشاره خواهیم کرد.



جدول شماره ۳: تعاریف کارآفرینی روستایی از دیدگاه‌های صاحب نظران

محقق	تعاریف کارآفرینی روستایی
Chowdhury, 2007: 240	- پتانسیلی برای کمک به تنوع بخشی به درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی روستاییان - فرصت‌های مناسبی را برای کاهش ریسک معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی
Stockdale, 2006	- فراهم کردن توسعه‌ی درون‌زا و استفاده از توانمندی‌های بالقوه درونی در جوامع روستایی - فرصت‌های مناسبی را برای کاهش ریسک معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی
Tariq Khan, 2012: 15 به نقل از عینالی، ۱۳۹۲: ۶۴	- کارآفرینی روستایی با قوه تفکر خلاقه، بهره‌گیری سازمان یافته از منابع موجود، شناسایی فرصت‌ها و توانایی پذیرش ریسک در ارتباط است
McKibben, 2007: 49	- بکارگیری نوآورانه منابع و امکانات روستا در راستای شکار فرصت‌های کسب و کار - زمینه کسب و کارهای متنوع و کوچک اقتصاد روستایی در برابر تغییرات اقتصادی
Mohapatra & et al, 2007: 163	- منجر به شکل‌دهی فعالیت‌های اقتصادی کوچک مقیاس و جدید با سرمایه فردی-گروهی

منبع: یافته‌های تحقیق با استفاده از منابع قابل دسترس

بنابراین کارآفرینان روستایی بر خلاف کارآفرینان شهری می‌توانند بر روی کسب و کارهای سبز، کشاورزی ارگانیک، اکوتوریسم و انرژی‌های تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری کنند (California Center for Regional Leadership, 2005). لذا حضور کسب و کارهای متنوع و کوچک می‌تواند اقتصاد روستایی را در برابر تغییرات اقتصادی ملی محافظت نماید. مردم محلی می‌توانند از مهارت‌ها، استعدادها و منابع‌شان برای فعالیت‌های کارآفرینانه استفاده نمایند که این کسب و کارهای کوچک با جهت‌گیری محلی، مشوق دانش بومی بین ساکنان است. هنگامی که، کارآفرینان محلی هستند، بیشتر احتمال دارد که ملاحظات زیست محیطی را در فعالیت‌های خود رعایت نمایند (McKibben, 2007: 49).

تقویت کارآفرینی در جامعه اهمیت زیادی به دنبال دارد و بر مبنای پژوهش‌ها این امر می‌تواند عامل مهمی برای رشد اقتصادی باشد. هر چند کارآفرینی می‌تواند آثار مثبت متعددی در جوامع روستایی داشته باشد، ولی خود نیز به عنوان یک پدیده اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی وابسته، متأثر از زمینه‌ها، عوامل و مهارت‌های مختلفی است. در واقع ظهور کارآفرینی در یک جامعه وابسته به زمینه و عواملی است که در شکل‌گیری آن تاثیر ویژه دارند. به طور کلی عوامل موثر بر کارآفرینی را می‌توان به ۵ گروه تقسیم بندی کرد:

۱- داشتن شرایط اقتصادی و بازار که شامل: (منابع مالی، نیروی کار، تسهیلات فیزیکی، زیرساخت‌های اقتصادی،

خدمات تخصصی و محیط اقتصادی کلان)

۲- داشتن ساختار پویایی صنعت که شامل: (اندازه، رشد و ساختار بازار، صنعت و استراتژی شرکت‌های بزرگ)؛

۳- ایجاد چارچوب قانون و مقررات (سیستم مالیاتی، سیستم حقوقی و سیاست‌های حمایتی دولت)؛



۴ - داشتن سرمایه اجتماعی (فرهنگ مشوق کارآفرینی، نهادهای پشتیبان، سیستم آموزشی و شبکه کارآفرینی)؛

۵ - جنبه‌های شخصیتی (تجربه کاری، تحصیلات، تمایل به مخاطره و کار سخت، انعطاف پذیری، میزان دارایی ها، سن و جنسیت). همچنین کارآفرینی به عنوان یک پدیده ی مهم اجتماعی تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار دارد. برخی صاحب نظران شرایط اقتصادی را موجب کارآفرینی دانسته و معتقدند که کارآفرینی نیروی اصلی توسعه ی اقتصادی محسوب شده و تغییر و نوآوری، رشد تولید خدمات را به همراه دارد. در مقابل روان شناسان با بررسی ویژگی های شخصیتی و با تفاوت قائل شدن بین کارآفرینی، مدیران و غیر کارآفرینان، به بررسی ویژگی های روان شناختی کار آفرینان پرداخته اند. از مهمترین ویژگی های مورد توافق آنان می توان به توفیق طلبی تمایل به پذیرش مخاطره، تحمل ابهام، استقلال طلبی، مرکز کنترل درونی، انرژی زیاد، انگیزه و تعهد اشاره کرد. اما جامعه شناسان، کارآفرینی را یک پدیده ی اجتماعی در نظر گرفته و به بررسی رابطه ی متقابل بین کارآفرینان و سایر بخش ها و گروه های جامعه می پردازند. دانشمندان مدیریت نیز به تشریح مدیریت کارآفرینی و ایجاد جو و محیط کارآفرینانه در سازمان ها توجه دارند (حیدر مکرز و محبی، ۱۳۹۱: ۱۲-۱۳). بنابراین با توجه به عوامل موثر در توسعه کار آفرینی، جوامع محلی می توانند از یک سو، فرصت های جدیدی را برای خود ایجاد کنند و درآمدشان را بهبود بخشند و از سوی دیگر، دارایی و سرمایه خود را افزایش دهند و زمینه ی استاندارد زندگی در جوامع روستایی را در اقتصادی جدید در کسب و کارهای کوچک و متوسط ارتقاء دهند (Henly, 2002) به نقل از هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۳-۱۱۴). لذا تجربه چند کشور که در آنها کارآفرینی روستایی توانسته است موثر واقع شوند و زمینه پایدار روستاها را فراهم کنند در جدول شماره ۴ ذکر شده است.

جدول شماره ۴: تجربه کشورهای موفق در زمینه توسعه کارآفرینی روستایی

محقق	کشور	زمینه های ایجاد شده در مناطق روستایی
ناظم تقوی و صفری، (۱۳۸۹: ۶-۵)	هند	اجرای برنامه های کارآفرینی در این کشور سبب افزایش توان تولیدات کشاورزی، نوسازی جامعه روستایی، افزایش اشتغال زایی در بخش کشاورزی و غیر کشاورزی و تامین امکانات اولیه از جمله غذا، مسکن، آموزش از برنامه های عمده توسعه روستایی در هند شده است.
افتخاری و سجاسی قیداری (۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۱۰)	امریکا	برنامه های کارآفرینی در این کشور زمینه تشویق و حمایت از کارآفرینان روستایی را برای ایجاد کسب و کارهای جدید فراهم کرده است و از سوی دیگر، سبب تشویق کسب و کارهای موجود به توسعه فعالیت ها و حرکت به سمت تحقق ایده های جدید و کارآمد شده است.
میرزا امینی (۱۳۸۴: ۲۶-۴۳)	چین	این کشور برای حل مشکلات مهاجرت روستائیان، اقدام به تاسیس و راه اندازی شرکت های کوچک تولیدی و صنعتی در روستا و شهرک ها نمود. به طوری که سبب شد موسسات مالی و اعتباری روستایی نقش مهمی در راه اندازی و پیشرفت این شرکت ها ایفا کنند. لذا این موسسات با اعطای وام و تسهیلات به کارآفرینی روستایی، آنان را تشویق به راه اندازی شرکت ها صنعتی و تولیدی کرده اند.
ناظم تقوی و صفری (۱۳۸۹: ۲۵)	مالزی	با اجرای برنامه های صنعتی سازی روستاها که بخش عمده ای از فعالیت های آن به توسعه کارآفرینی روستایی، اختصاص داشت؛ گام های موثری در جهت توسعه اشتغال روستائیان فراهم گردید؛ به طوری که در این برنامه ها با ارائه خدمات مشاوره و نیز برگزاری دوره های آموزشی، روستائیان به راه اندازی کسب و کارهای غیر کشاورزی تشویق شدند و زمینه بسیاری را برای کارآفرینی مردم محلی فراهم کرده است.





وزرات جهادسازندگی، ( ۱۳۷۲: ۷۹-۴۸ ) به نقل از نور بخش، ۱۳۹۲	ژاپن	با اجرای برنامه‌های خود اشتغال و توسعه روستایی در این کشور زمینه استقرار صنایع های کوچک فراهم شد و مردم توانسته در فعالیت های کشاورزی و غیر کشاورزی مشغول به کار شوند و زمینه های کارآفرینی در مناطق روستایی فراهم کنند به طوری که زمینه را برای سرمایه گذاری موسسات مالی در جهت ارتقاء بهبود کیفیت زندگی روستائیان و اشتغال زایی آنها فراهم کرد.
رضویان ( ۱۳۷۴: ۲۱۰-۲۱۲ )	اندونزی	اندونزی برنامه های توسعه ایالتی ، که در اواسط دهه ی ۱۹۷۰ طراحی و در سال ۱۹۷۹ آغاز گردید زمینه را برای ایجاد ظرفیت و توانایی برنامه ریزی در سطوح کارآفرینی روستایی از یک سو و از سوی دیگر، زمینه را برای ایجاد صنایع روستایی در کوچک مقیاس تا حدی که اهالی مناطق روستایی قادر به مشارکت و همکاری فعال در برنامه ریزی و اجرای آن باشند فراهم کرده است.
احمد پور داریانی و همکاران (۱۳۸۳: ۱۸)	هلند	در این کشور کمیته مشاوره آموزش و کارآفرینی بستری را در جهت توسعه مناطق روستایی فراهم کرد و توانست زمینه را برای گسترش حمایت و آگاهی در ساختار آموزش (دانش آموزان، معلمان و مؤسسات) جامعه کسب و کار روستایی ایجاد نمایند تا آگاهی و مهارت های فنی و تشویق مردم برای حرکت به سوی راه اندازی یک کسب و کار در جوامع روستایی فراهم کند.

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳ با استفاده از منابع دسترس

با توجه به اهمیت موضوع و مسئله مطرح شده از دیدگاه‌های مختلف (صاحب نظران)، اثرات کارآفرینی روستایی در جوامع محلی را می‌توان به شرح زیر بیان کرد که عبارتند از:

#### • عوامل اجتماعی

روستاها با وجود توانمندیهای فرهنگی، ساختارهای اجتماعی متنوع و کارآمد، نوع و شیوه زندگی منحصر به فرد روستایی با خصلتهایی چون خودکفایی و توانمندی قادرند ضمن ایجاد ثبات اجتماعی، فرهنگی و منطقه‌ای، در تحقق فرایند توسعه ملی کشورها مؤثر باشند (فاضل بیگی، ۱۳۸۸: ۴۷). زیرا موجب اشتغال، کاهش اضطراب‌های اجتماعی و بهره برداری از منابع را برای بهره‌وری عظیم ملی فراهم می‌آورد. کارآفرینی، سود اجتماعی را از طریق دولت عاید جامعه می‌کند که به نوعی نشان دهنده توسعه اجتماعی- اقتصادی جامعه است (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۷-۱۱۴). لذا کارآفرینی در طی دهه گذشته به یک رفتار اجتماعی مطلوب تبدیل شده، به طوری که امروزه هدف بسیاری از کشورها، برنامه ریزی بر توسعه آن به عنوان یک تغییر اجتماعی است.

#### • عوامل محیطی

کارآفرینی به لحاظ محیطی و زیر ساخت‌ها می‌تواند در توسعه روستایی مؤثر باشد. چرا که جوامع روستایی به دلیل ماهیت وجودی و کارکردی به عنوان یکی از فعالیت‌های مهم روستایی در محیط طبیعی و در یک فضای باز و متاثر از عوامل طبیعی، مانند نوع خاک و اقلیم انجام می‌شود. در نتیجه توجه به عوامل محیطی در توسعه کارآفرینی روستایی و کشاورزی اهمیت بالایی به منظور کاهش مخاطرات محیطی، استفاده مناسب از منابع و... دارد ( افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶).



فیلیس پیشنهاد می‌کند که موقعیت‌های روستایی قابل دستیابی ارائه دهنده یک رابطه احتمالاً منحصر به فرد و مکمل میان دستیابی به خروجی‌های مالی و تکنولوژیکی در سطح منظومه شهری می‌باشند. به عبارت دیگر، وجود منابع طبیعی مهم، شرایط اقلیمی و جانشین توپوگرافی منطقه و همچنین منظره‌ها با ارائه فرصت‌هایی برای استفاده و بهره‌برداری عظیم به لحاظ محیط زیست از منابع بر فعالیت کارآفرینانه تاثیر می‌گذارند. دوری و نزدیکی، حفاظت از مناظر منحصر به فرد و ویژگی‌های محیطی، سنت‌های مهم یا شیوه‌های سنتی و قدیمی تولید را تسهیل می‌بخشند که ممکن است منجر به فرصت‌های کارآفرینانه شوند (Deunert, 2006:126). بدین ترتیب اگر توسعه را به معنای تعامل بهنجار نظام‌های اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی بدانیم، در این صورت روستا و مناطق روستایی نقش اساسی در تحقق توسعه پایدار کشور ایفا می‌نمایند (طاهرخانی و رکن الدین افتخاری، ۱۳۸۴).

#### • عوامل اقتصادی

تولیدات کشاورزی و صنایع دستی، نقش مهمی در اقتصاد ملی دارند. رشد بالای بخش کشاورزی در سالهای اخیر نشان‌دهنده وجود ظرفیتهای بالقوه زیاد این بخش برای افزایش تولید و توسعه بیشتر است و در بسیاری از موسسات ملی و بین‌المللی مجدداً بر کاهش فقر و توسعه روستایی تاکید می‌شود (Colette et al., 2005). به همین دلیل، توسعه اقتصادی در مناطق روستایی نیازمند راهبردهای جدیدی است که این امر با توسعه کارآفرینی و تواناسازی سیاست‌های محیطی ممکن می‌شود (Davis, 2004:12). بنابراین امروزه تلاش‌های مردم مناطق روستایی برای دستیابی به پایداری اقتصادی می‌تواند با استفاده از کارآفرینی محلی افزایش یابد، زیرا تمرکز بر منابع اقتصادی محلی از طریق توسعه کارآفرینی محلی یکی از شیوه‌های توسعه اقتصادی این مناطق است.

#### • عوامل نهادی

کارآفرینی می‌تواند بدون گرفتن نقش سازمان و نهادهای گوناگون انجام شود، زیرا هر گونه فعالیتی به نوعی به سازمان‌دهی و تشکیلات در سطوح مختلف، چه ملی و چه محلی نیاز دارد. دولت، سازمان و ارگان‌های ذی ربط آن، از جمله این نهادها هستند و از طرفی دیگر، نهادهای غیر دولتی محلی هم که به صورت خود جوش شکل گرفته‌اند، که دارای تاثیر گذاری بالایی در رشد و گسترش فعالیت‌های کارآفرینی دارند. به همین علت از دیدگاه ما ارتباط پیچیده‌ای بین عناصر بخش عمومی و خصوصی و فعالیت‌هایی که همگی با هم به کارآفرینی منجر می‌شود، وجود دارد (Lordkipanidze, 2002: 30).

## ۶- نتیجه گیری و پیشنهادات

کارآفرینان موتور محرکه توسعه اقتصادی هستند و در توسعه کشاورزی و بالاخص توسعه روستایی جایگاه ویژه ای دارند. توسعه روستایی را نیز می‌توان عاملی در بهبود شرایط زندگی افراد متعلق به قشر کم درآمد ساکن روستا و خودکفا ساختن آنان در روند کلی توسعه یک کشور دانست. لذا با توجه به مفهوم کارآفرینی و توسعه روستایی می‌توان ارتباط این دو را فهمید و آنها را مکمل همدیگر قرار داد. در مابقی نظری به این امر اشاره شد که توسعه روستایی جایگاه ویژه‌ای در بحث توسعه پایدار دارد، لذا در عصر حاضر کارآفرینی با داشتن منافعی از جمله ایجاد اشتغال، بهبود کیفیت زندگی، توزیع متناسب



درآمد، کمک به حل معضلات اجتماعی، ایجاد رفاه اجتماعی از طریق دولت و مردم و همچنین استفاده از منابع و فعال شدن برای بهره‌برداری عظیم ملی، عامل مهمی در توسعه و رفاه ملل مختلف بوده و می‌باشد. بنابراین مسأله کارآفرینی از دیر باز وجود داشته و همیشه عامل مهمی در شکوفایی و توسعه روستاها قلمداد می‌شده است.

همان طوری که بیان شد کارآفرینی در توسعه مناطق روستایی در چند دهه اخیر منجر به توسعه پژوهش‌های زیادی در جهت کاربردی بودن این علم شده است به طوری که کیپانیدزه (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای خود به این نتیجه رسید که توسعه روستایی به طور روزافزونی با کارآفرینی در ارتباط است و کارآفرینی را به عنوان نیروی برای رشد اقتصادی روستا معرفی می‌کند (Lordkipanidze, 2005). استاهپولو (۲۰۰۴)، در مطالعه خود یک چارچوب تحقیقی و دستور کار که مستخرج از یک کار تحقیقاتی در همین رابطه ارائه داده است و فرصت‌ها و محدودیت‌های کارآفرینی روستایی را شناسایی کرد و راهکارهای را برای آن پیشنهاد داد (Stathopoulou, 2004: 420). در ایران فاضل بیگی و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که سیاستهای تقویت ظرفیت فرهنگ تعاون و نظام تعاونی یک جامعه (از جمله مهارت‌ها و انگیزه‌های استفاده از فرصت‌ها)، تأثیر بسزایی در ارتقاء سطح فعالیت‌های کارآفرینی خواهد داشت. رضوانی و نجار زاده (۱۳۸۷)، در پژوهش خود به بررسی مربوط به تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی که در دهستان برآن جنوبی انجام پذیرفته است، میزان آشنایی افراد روستایی مشارکت داده شده در این مطالعه با زمینه‌ها و مهارت‌های کارآفرینی به میزان بسیار کم اعلام شده است. بنابراین این تحقیقات صورت گرفته با پژوهش حاضر همسویی خاصی دارد. لذا به منظور بررسی عوامل موثر بر رشد کارآفرینی در جوامع محلی روستایی تحقیق حاضر به صورت کتابخانه‌ای (توصیفی-تحلیلی) انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان داد که کارآفرینی نقش موثری در توسعه مناطق روستایی به همراه دارد به طوری که در ابعاد اجتماعی موجب (اشتغال، کاهش اضطراب‌های اجتماعی و بهره‌برداری از منابع ملی و سود اجتماعی در جامعه می‌شود، که به نوعی نشان دهنده توسعه اجتماعی-اقتصادی جامعه) است. در ابعاد محیطی منجر به (کاهش مسائل زیست محیطی، همبستگی با طبیعت و استفاده مفید از فضاها، کاهش مخاطرات محیطی و استفاده مناسب از منابع می‌شود). در ابعاد اقتصادی سبب (بهره‌گیری از تولیدات کشاورزی و صنایع دستی، افزایش بالای بخش کشاورزی و کیفیت محصولات برای بازاریابی و غیره ... را به دنبال دارد و در ابعاد نهادی سبب (افزایش همکاری بین سازمان و نهادهای مشارکت مردمی در توسعه روستاها، گسترش شبکه‌های اجتماعی و افزایش انگیزه و بهره‌گیری از استعداد نیروی‌های انسانی) می‌شود. بنابراین با توجه به نتایج این تحقیق و مقایسه آن با دیگر نتایج تحقیقات بررسی شده بر روی عوامل موثر بر رشد کارآفرینی در مناطق روستایی می‌توان گفت که کارآفرینی از یک سو، سبب افزایش توان تولیدات کشاورزی، نوسازی جامعه روستایی، افزایش اشتغال‌زایی در بخش کشاورزی و غیر کشاورزی، تامین امکانات اولیه از جمله غذا، مسکن، آموزش و برنامه‌های عمده توسعه روستایی را به دنبال داشته است و از سوی دیگر زمینه را برای سرمایه‌گذاری موسسات مالی در جهت ارتقاء بهبود کیفیت زندگی روستائیان ارائه خدمات مشاوره و نیز برگزاری دوره‌های آموزشی روستائیان، راه اندازی کسب و کارهای غیر کشاورزی و ... را به دنبال داشته است. بنابراین با توجه به شواهد این تحقیق و مطالعات صورت گرفته در این تحقیق سوال مطرح شده مورد تایید قرار می‌گیرد که در زیر به طور خلاصه به چند راهکار در زمینه توسعه روستایی اشاره می‌شود:

۱ - تشویق و حمایت از کارآفرینان روستایی برای ایجاد کسب و کارهای جدید؛

۲ - تشویق کسب و کارهای موجود به توسعه فعالیت‌ها و حرکت به سمت تحقق ایده‌های جدید و کارآمد؛

۳ - توسعه فرهنگ کارآفرینی که رفتار کارآفرینانه را تشویق و حمایت کند؛



- ۴ - ایجاد بستر لازم برای تربیت کارآفرینان؛
- ۵ - تشویق روستائیان به مشارکت فعالانه در طرحهای کارآفرینی روستایی؛
- ۶ - تشویق سازمانهای دولتی و غیر دولتی به حمایت از فعالیتهای کارآفرینی در روستاها؛
- ۷ - آموزش کارآفرینی؛
- ۸ - راه اندازی و اداره یک واحد اقتصادی فعال در روستاها ، نیازمند آشنایی با طیف وسیعی از دانش ها و مهارت هاست و جوانان روستایی اغلب از سطح مهارت کمتری در این زمینه برخوردارند؛
- ۹ - برگزاری دوره های آموزشی کارآفرینی و ارائه مشاوره در این زمینه، از سیاستهای عمده توسعه کارآفرینی در روستاهاست. در این برنامه های آموزشی بر چهار گروه از مهارتهای مورد نیاز کارآفرینان تاکید می شود:
  - الف - مهارتهای علمی و فنی ، بر اساس نوع فعالیت صنعتی؛
  - ب - مهارتهای مدیریت ، شامل مدیریت مالی ، بازاریابی ، اداری و امور کارکنان؛
  - ج - مهارتهای کارآفرینی ، شامل توانایی تشخیص و استفاده از فرصتهای جدید در بازار و ارائه راه حل های نوآورانه در مقابله با چالشها؛
  - د - مهارتهای کارکنان ، شامل: خودتکابی ، اعتماد به نفس ، خلاقیت ، مسئولیت پذیری و ...
- ۱۰ - توسعه زیر ساختهای کارآفرینی؛ فراهم آوردن امکان دسترسی به سرمایه به خصوص سرمایه های مخاطره پذیر، اعطای وام به کارآفرینان، توسعه امکانات حمل و نقل و گسترش سیستمهای اطلاعاتی و ارتباطی، اتصال به منابع اطلاعات و دانش همگانی، گسترش امکانات زندگی در روستاها و... مواردی از این دست، زمینه را برای توسعه کارآفرینان در روستاهای کشور فراهم می کند. در این زمینه چند راهبرد مهم را که حائز اهمیت است و می تواند موثر واقع شود را ذکر می کنیم :
  - الف ) اعطای تخفیف های مالیاتی؛
  - ب ) حمایت از صنایع کوچک و متوسط برای مدرنیزه شدن؛
  - ج ) تشویق صنایع کوچک و متوسط به توسعه همکاری و تشکیل شبکه.



## منابع و مآخذ

- ۱ - احمد پور داریانی، محمد. (۱۳۷۸). تعاریف، نظریات و الگوها، پردیس ۵۷ تهران.
- ۲ - افتخاری، عبدالرضا رکن الدین، طاهری خانی، مهدی، سجاسی قیداری، حمدالله. (۱۳۸۸). تحلیل ابعاد عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی، مطالعه شهرستان خدابنده، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، صص ۴۳-۷۲.
- ۳ - ایمانی حسنلوئی، مهدی، پاشائی، محمد تقی. (۱۳۸۶). مدیریت تحول در سازمانهای هزاره سوم با تمرکز بر کارآفرینی، ماهنامه کار جامعه، شماره ۸۹، صص ۲۳۰-۲۵.
- ۴ - رضویان، محمد تقی. (۱۳۷۶). مکان‌گزینی واحدهای صنعتی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی اهواز.
- ۵ - رضوانی، محمد رضا، نجار زاده، محمد. (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه ی نواحی روستایی، مطالعه موردی: دهستان برآآن جنوبی (شهرستان اصفهان)، مجله توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۸۲-۱۶۱.
- ۶ - سپه پناه، مریم. (۱۳۹۱). کارکردهای مدیریت روستایی در کارآفرینی شدن کشاورزی و روستاییان، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، همایش دانشگاه مازنداران، صص ۸-۱.
- ۷ - سجاسی قیداری، حمدالله. (۱۳۸۷). مطالعه و تحلیل عوامل موثر در توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۸ - سهرابی وفا، سمیرا. (۱۳۹۲). نقش کارآفرینی در توسعه روستایی با تاکید بر یکپارچه سازی اراضی کشاورزی، مطالعه موردی: دهستان خرابود- شهرستان خدابنده، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زنجان، صص ۳۸.
- ۹ - طاهرخانی، مهدی، عبدالرضا، رکن الدین افتخاری. (۱۳۸۴). امکان‌سنجی ایجاد مراکز فناوری اطلاعات در مناطق روستایی، فصلنامه توسعه روستایی، سال نهم، شماره سه.
- ۱۰ - عینالی، جمشید. (۱۳۹۳). نقش یکپارچه سازی اراضی در بهبود زمینه‌های کارآفرینی کشاورزی در شهرستان خدابنده، مطالعه موردی: روستاهای حوزه خدمات کشاورزی نور آباد، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۷۴-۶۱.
- ۱۱ - فاتح، بهرام. (۱۳۸۹). الگوی کارآفرینی در نظام آموزش عالی ایران، مدرسان دانشگاه آزاد اسلامی- واحد گرمی.
- ۱۲ - فاضل بیگی، محمد مهدی، یاوری، غلامرضا. (۱۳۸۸). تعاون روستایی سرآغازی بر توسعه کارآفرینی، مجله تعاون، شماره ۲۰۴ و ۲۰۵، صص ۶۲-۴۱.
- ۱۳ - فراهانی، حسین، حاجی حسینی. (۱۳۹۰). نقش کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار روستایی، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جغرافیا و برنامه ریزی توسعه روستایی، همدان، صص ۱۴-۱.
- ۱۴ - حمیرزا امینی، محمد رضا. (۱۳۸۴). توسعه روستایی و کارآفرینی روستایی در چین، اندیشگاه شریف.
- ۱۵ - خاظم تقوی، سید علی، صفری، آرش. (۱۳۸۹). توسعه روستایی و کارآفرینی روستایی، دانشگاه جامع علمی کاربردی، مرکز آموزش عالی علمی کاربردی جهاد دانشگاهی مشهد.
- ۱۶ - خوربخش، زهرا. (۱۳۹۲). تحلیل نقش کارآفرینی فعالیت‌ها غیر کشاورزی در ارتقای کیفیت زندگی روستائیان، مطالعه موردی: روستاهای بخش شاندیز، شهرستان بینالود، پایان نامه کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد.



۱۸- هاشمی، سید سعید، مطیعی لنگرودی، سید حسن، قدیری معصوم، مجتبی، مقیمی، سید محمد. (۱۳۹۰). تبیین نقش دهیاری ها و شوراهای اسلامی در توسعه کارآفرینی روستایی، مطالعه موردی: بهاباد استان یزد، پژوهش های روستایی، سال دوم، شماره یکم، صص ۹۳-۱۱۴.

- 19- Archibong, C.A. (2004). Technology, infrastructure and entrepreneurship: Role of the government in building a sustainable economy, School of Business and Economics North Carolina & T State University.
- 20- California Center for Regional Leadership (2005). "Innovation, Entrepreneurship, and Collaboration: An Economic Agenda for Rural California.
- 21- Carswell, G & Rolland, L. (2004). "Entrepreneurship and management" in N.J. Smesler and R. Swedberg (eds.) The Handbook of economic Sociology Princeton, in N.J.: Princeton University Press, 476-503.
- 22- Chowdhury, M.S. (2007), Overcoming Entrepreneurship Development Constraints: the Case of Bangladesh, Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy, Vol. 1, No. 3, PP. 240-251.
- 23- Clark, B.R. (2004). The entrepreneurship university demand and response: Theory and practice, Tertiary education management, 22, Spring 2004.
- 24- Colette, H., Hill, F., & Leitch, C. (2005), Entrepreneurship education and training: can entrepreneurship be taught?" Part I, Journal of Education and Training, 47(2): 98-111.
- 25- Davis, J.(2004), Guide to Rural Economic and Development, Working paper, November, Available at: www.wgtz. De.
- 26- Dabson, Brian (2001). "Supporting Rural Entrepreneurship." Exploring Policy Options for a New Rural America. Proceeding of a conference sponsored by Federal Reserve Bank of Kansas City, Center for the Study of Rural America 35-48.
- 27- Duane, G. A. (2000). "Management and organization", Ohio:South-western..Gürol, Yonca. and Atsan, Nuray. (2006). "Entrepreneurial Characteristics among University Students and Training in Turkey", Education and training, Vol. 48, Issue. 1, pp. 25-38.
- 28- Heidari Sareban, V. (2012), Prioritizing Major Barriers to Rural Women's Entrepreneurship, Using AHP Method Case study: Ardebil province. Womens studies( Sociological & Psychological), Vol 10, No 2.
- 29- Heriot, Kirk C. and Campbell, Noel D. (2002), "A new approach to rural entrepreneurship: a case study of two rural electric cooperatives". Available on
- 30- Hisrich, Robert D., Peters M.P., (2005), Entrepreneurship, Translated by Fyzbkhsh Seyed Alireza, Taghi Yari, Vol. 1, Tehran. Scientific Publishing Institute of Sharif Technology University.
- 31- Islam, K. Baharul , M.(2009), Rural Entrepreneurship for Women: A Case for Wealth Creation by Africas Rural Poor amidst Global Financial Financial Aand Economic Crises, African Economic Conference 2009 Fostering Development In An Era Of Financial And Economic Crises 11-13November 2009, United Nations Conference Centre, Addis Ababa , Ethiopia.
- 32- Kline & Suzanne . C.(2007), The Role of Entrepreneurial Climate in Rural Tourism Development, Raleigh, North Carolina state University in Partial Fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy.
- 33- Lordkipandze, Maia, Han Hrezet, Mikael Backman,(2005). The Entrepreneurship Factor in Sustainable Tourism Development or Distress? World Development , Vol, 35, No, 1,pp,163-181.
- 34- Maia, L. (2002). Enhancing entrepreneurship in rural tourism for sustainable regional development: The case of Söderslätt region. Sweden: The international institute for industrial environmental economics (IIIEE); International Miljö Institute.
- 35- Markley, D.M. (2005). Local Strategies for responding to rural restructuring: The role of entrepreneurship, Globalization and Restructuring in rural America Conference ERS-USDA, Washington, D.C.
- 36- McKibben, Bill (2007). Deep Economy. Holt Paperback Times Books: New York.



- 37- Mohapatra, S., Rozelle, S. and Goodhue, R. (2007): The Rise of Self- employment in Rural China: Development or Distress, *World Development*, Vol 35, No 1, pp: 163- 181.
- 38- Najarzadeh, M. & Rezvani, M.R., (2009), Study and Analysis of Villagers, Background Knowledge on Entrepreneurship in the Process of Rural Development Case Study: South Baraan District (Isfahan County), *Journal of Entrepreneurship Development*, Vol. 1, No. 2, PP.161-182. (*In Persian*).
- 39- Otto, Michael,(2009), Green: challenges and Opportunities for Business Growing Green: Challenges and opportunities for Busiess, United nations climate chage conference dec7- dec18
- 40- Peak & Marshall, (2006). Nowoczesne metody doboru i oceny personelu ( Modern methods of personnel selection & assessment). Wyd. Profesjonalnej Szkoly business, Krakw.
- 41- Poza, E.J.,( 2007), Family Business, Thomson South-Western.
- 42- Schumpeter, Joseph A., (1934) The theory of economic development, Harvard University press Cambridge, MA.
- 43- Stathopoulou, S., Psaltopoulos, D., Skuras, D.,( 2004), Rural Entrepreneurship in Europe, A Research Framework and Agenda, *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, Vol. 10, No. 6, PP. 404-425.
- 44- Stockdale, A., (2006), Migration: Pre- Requisite for Rural Economic Regeneration? *Journal of Rural Studies*, Vol. 22, No. 3, PP. 354-366.
- 45- Verheul, I. et al. (2001), “An eclectic theory of entrepreneurship”. Tinbergen Institute Discussion Paper. Indianapolis: Institute for Development Strategies, Indiana University.